



سعیدی رضوانی، محمود (۱۳۹۷). پاره حقیقت‌گویی در تحلیل گفتمان انتقادی تربیت جنسی نظام آموزشی ایران. پژوهش‌نامه مبانی تعلیم و تربیت، ۸(۱)، ۱۷۳-۱۶۰.
DOI: 10.22067/feru.v8i1.74182

پاره حقیقت‌گویی در تحلیل گفتمان انتقادی تربیت جنسی نظام آموزشی ایران^۱

محمود سعیدی رضوانی^۲

تاریخ دریافت: ۹۷/۴/۲۶ تاریخ پذیرش: ۹۷/۵/۱

چکیده

هدف اصلی این نوشتار، نقد مقاله «تحلیل گفتمان انتقادی تربیت جنسی در نظام آموزش و پرورش ایران (وضعیت موجود) مبتنی بر اسناد مکتوب» می‌باشد. بر اساس نتایج به دست آمده، مهم‌ترین نقاط قوت و ضعف مقاله مورد نظر را چنین می‌توان برشمرد: دست آورد مثبت و سترگ مقاله، ایجاد گفتمان ضرورت توجه به مسائل و نیازهای جنسی دانش‌آموزان به ویژه با توجه به محیط به شدت نابسامان و تحریک‌های کنونی است. با توجه به یافته‌ها و پیام‌های ضمنی این مقاله، آموزش و پرورش سیاست کتمان حقایق جنسی و عدم توجه کافی به نیازهای مذکور را در پیش گرفته است. بنابراین، نتایج این مطالعه، تلنگری جدی به مسئولان متقی و خدوم آموزش و پرورش به منظور بازاندیشی در مواجهه صحیح با مسائل جنسی به شمار می‌آید. با وجود این، مقاله با پذیرش بنیانی نادرست و غفلت از نگاه اسلامی به امر جنسی، بخش عمده‌ای از حقیقت را نادیده گرفته و در «پاره حقیقت‌گویی آشکاری» در غلتیده است و این امر، عمده‌ترین نقطه ضعف مقاله به شمار می‌آید؛ چراکه اگر بر اساس بنیان ضیق مقاله «در تربیت جنسی چهار گفتمان محافظه کار، لیبرال، پست‌مدرن و انتقادی وجود دارد و سه گفتمان اخیر بر آزادسازی روابط شنیع تأکید می‌کنند»، به ناچار باید تسلیم گفتمان محافظه کار (یا به تعبیر مؤلف بدبینانه) شویم. به بیان دیگر، بر اساس مدل‌های بخش‌های ناصواب مقاله، چنانچه متصدیان تعلیم و تربیت نمی‌خواهند امر جنسی را به غریزه‌های حیوانی فرو کاهند، به ناچار باید رویکرد رقیب را بپذیرند؛ رویکردهایی که زندگی انسانی، اخلاقی و بافضیلت را در هم جنس‌خواهی و سایر روابط حیوانی جستجو می‌کنند!

واژه‌های کلیدی: تربیت جنسی، نظام آموزشی ایران، برنامه درسی

۱. و جیزه‌ای ناقابل به‌عنوان دفاع از حریم عفاف و حجاب، تقدیم به پیشگاه شهدای مدافع حرم عالی‌ترین نماد عفت و حکمت در صحنه‌ی کربلا حضرت زینب کبری (ع).

۲. دانشیار و مدیر کارگروه تربیت جنسی و عفاف‌گرایی پژوهشکده مطالعات اسلامی دانشگاه فردوسی مشهد،

مقدمه

سیاست‌گذاری در خصوص برنامه درسی همواره با چالش‌های فراوانی روبرو بوده است. برنامه درسی، معادل برنامه زندگی است؛ زیرا بر اساس آن افراد می‌آموزند (یاد می‌دهند) و می‌آموزند (یاد می‌گیرند)، یعنی زندگی می‌کنند. پاسخ به سؤال خطیر چه چیزی باید آموخته شود، اگرچه آبشخوری فلسفی دارد، اما فایده عملی آن در برنامه‌های درسی (یا همان برنامه زندگی) بروز می‌کند. در میان مسائل و مفاهیم تربیتی، سیاست‌گذاری برنامه‌های درسی در موضوع‌های مربوط به امر جنسی - یا همان برنامه درسی تربیت جنسی - به دلیل حساسیت‌های خاص مسائل آن سروصدای فزون‌تری نسبت به سایر ابعاد تربیتی دارد. ویژگی امر جنسی آن است که گرچه از خصوصی‌ترین امور هر فرد به شمار می‌رود، اما گستره اجتماعی به عرض و طول کل جامعه انسانی دارد و در تمام ابعاد تعلیم و تربیت - ساحت‌های مختلف - ریشه دارد و برگ و میوه آن زیست جسمانی، روانی، اجتماعی و معنوی آحاد جامعه را تحت تأثیر قرار می‌دهد. در جامعه‌ای با حساسیت‌های دینی، با عنایت به قدرِ والای حیا و عفاف در ادیان الهی، سخن گفتن از تربیت جنسی و نقد گفتمان‌هایی که مدعی هستند از دین وام گرفته‌اند، عملی ارزشمند است تا چنانچه پیرایه‌ای بر دین توسط دین‌داران بسته شده است، از هم درَد و حقیقت ناب دین که به‌طور قطع عقل به تأیید آن خواهد آمد، روشن شود. از این منظر، تلاش مؤلف محترم، سترگ و ستودنی است و امید که نقد این ناقد، سبب ارتقای عیار تلاش مذکور شود.

مؤلف محترم، تحلیل گفتمان انتقادی تربیت جنسی در آموزش و پرورش ایران را وجهه همت خود قرار داده است و اصرار دارد نگاه توصیفی اتخاذ کرده و به دنبال تجویز و ترجیح یک گفتمان بر گفتمان موجود نمی‌باشد (صفحه دوم بند نخست) و به جای آن، کشف گفتمان موجود را مدنظر قرار داده است. این ادعا در حالی است که به نظر می‌رسد ترجمه بهتر برای «Critical discourse Analysis» تحلیل انتقادی گفتمان باشد. چنانکه، در سطر اول صفحه سوم، به انتقادی بودن این نوع گفتمان اشاره شده است؛ بنابراین باید پذیرفت که در این مقاله به تبعیت از روش آن، کشف گفتمان و نقد آن توأمان صورت پذیرفته است. سیاق مقاله و مطالعه نقد حاضر نیز به روشنی جهت‌گیری نقد به گفتمان آموزش و پرورش ایران را در مقاله نشان می‌دهد. به هر سوی امید می‌رود آنچه در ادامه آمده است، نقد منصفانه‌ای نسبت به تلاش فکری مؤلف محترم در توصیف و انتقاد به گفتمان موجود آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران باشد:

نقد چارچوب تحلیلی: انتخابی ناصواب

مؤلف محترم در بخش بعد از روش و قبل از پیشینه، مروری بر گفتمان‌های تربیت جنسی دارد. این مرور در واقع چارچوب مقاله تألیف شده را معرفی کرده است، هرچند که هیچ اشاره‌ای به عنوان‌هایی مانند چارچوب نظری، مفهومی، تحلیلی و غیر آن ندارد، درحالی که به منزله نظریه پشتیبان برای مقاله عمل می‌کند و تا مرحله نتیجه‌گیری - که اشاره خواهد شد - ذهن مؤلف را به خود مشغول می‌کند و تحلیل‌ها و نقدها، از همین چارچوب تحلیلی سرچشمه می‌گیرد. صورت و نتیجه استدلال‌های این چارچوب را می‌توان در گزاره‌های زیر مورد نظر قرار داد:

- ۱) نگاه به امر جنسی، درون طیفی است که در دو سوی خود، دو نگاه بدبینانه و نگاه خوش‌بینانه را جای داده است. در نگاه بدبینانه، علاقه جنسی موجب تنزل انسان به شیء و لذت جنسی تنها مقدمه تولیدمثل است. در نگاه خوش‌بینانه، رابطه جنسی قرین با پیوند عاطفی است. لذت جنسی، هدف است و محدود به ازدواج نیست و تولیدمثل تنها یکی از کارکردهای میل جنسی است.
 - ۲) نگاه بدبینانه (رویکرد سلبی)، در ارضای میل جنسی محدودیت ایجاد می‌کند و نگاه خوش‌بینانه (رویکرد ایجابی) ارضای میل جنسی را تسهیل می‌کند.
 - ۳) رویکرد سلبی شامل یک گفتمان (= محافظه کار) است که بر خویش‌داری جنسی پیش از ازدواج و انحصار روابط بین زن و مرد و در قالب ازدواج تأکید می‌کند.
 - ۴) رویکرد ایجابی شامل سه گفتمان لیبرال (= آزادی حداکثری در انتخاب روابط جنسی و تأکید بر امن و بی‌خطر بودن رابطه مابین دو غیر هم‌جنس یا دو هم‌جنس یا ...)، انتقادی (= حمایت از گروه‌های اقلیت هم‌جنس‌گرایان و ... و پست‌مدرن (حمایت از انواع الگوهای متفاوت رابطه جنسی) می‌باشد. در نتیجه، نگاه خوش‌بینانه (ایجابی) در مقابل نگاه بدبینانه‌ای (سلبی) شامل هرگونه رابطه‌ی جنسی - مثلاً مرد با مرد، زن با زن، انسان با حیوان - است و نگاه بدبینانه (سلبی) در واقع محدود به نگاه دینی است که به طور طبیعی بر رابطه‌ی دو گانه مرد - زن در چارچوب ازدواج تأکید می‌کند.
- آیا نمی‌توان به‌جای نگاه خوش‌بینانه (ایجابی) که نوعی بار ارزشی مثبت را نسبت به انواع روابط ناپاک القا می‌کند، از نگاه حیوانی، کثیف، پست و امثال آن استفاده کرد؟ و به‌جای استفاده از اصطلاح محافظه‌کار، سلبی و بدبینانه برای نگاه دینی که به رابطه‌های جنسی انسانی تأکید می‌کند، از واژه‌هایی مانند انسانی، موافق طبیعت انسانی، پاک و امثال آن استفاده کرد؟

از منظر دیگر، طبقه‌بندی رویکردها به «خانواده سلبی» و «خانواده ایجابی» از استدلال‌های کاملاً مغالطه‌آمیز این مقاله است؛ زیرا بدون آن که قبلاً رویکرد «سلبی» و رویکرد «ایجابی» به‌طور مستقل تعریف

شوند! و بر اساس تعریف، «صفت‌های مذکور» نسبت داده شوند. یک گفتمان محکوم به‌عنوان سلبی و سه گفتمان دیگر مفتخر به لقب ایجابی شده‌اند. در واقع نویسنده در عبارت «بر اساس آنچه گذشت این تنها گفتمان محافظه‌کار است که قائل به دوگانه زن و مرد در روابط جنسی بوده و خانواده‌گرایی را تأیید می‌کند و سایر الگوهای رابطه جنسی را نفی می‌کند.» (صفحه ۵)، به این موضوع اشاره دارد که اگر گفتمانی اجازه رابطه جنسی با هم‌جنس، حیوان، اشیاء و مانند آن را ندهد، دارای رویکرد سلبی است و اگر گفتمانی سایر روابط جنسی - به‌ویژه هم‌جنس‌گرایی را توصیه و تجویز کند - دارای رویکرد ایجابی یا قرین آن است.

با جستجو در منابع درمی‌یابیم «سلبی» بر اساس فرهنگ معین، معادل نفیی و منفی است و مطابق لغت‌نامه دهخدا «ایجابی» مقابل «سلبی» است. اگر بر اساس معنای لغوی (سلبی = منفی) قضاوت کنیم، نویسنده سلبی را به معنای منفی لحاظ نموده و بدون هیچ استدلالی، هر نوع جلوگیری از بزه‌های گوناگون جنسی را امری منفی (شاید معادل نکوهیده) نامیده است. با نگاهی سهل‌گیرانه‌تر و با الهام از معنی دوم (= نفیی)، سلبی معادل «منعی» می‌شود؛ یعنی نویسنده - شاید ناخودآگاه - منع شدن برخی روابط شنیع جنسی را «سلبی» و آزاد گذاشتن انواع روابط را «ایجابی» می‌نامد. در واقع نویسنده با ارائه این پیش‌فرض، تمام احکام ادیان الهی را دارای رویکرد سلبی و در بهترین حالت نزدیک به آن دانسته است؛ چراکه همه ادیان الهی (و حتی بیشتر مکاتب مختلف بشری)، سرانجام برخی رفتارها را تأیید و تجویز و از برخی امور دیگر، جلوگیری می‌کنند. به‌بیان‌دیگر، ادیان الهی هم احکام ایجابی (حلال‌ها، به معنای تأیید برخی رفتارها) و هم احکام سلبی (حرام‌ها، به معنای نهی از برخی رفتارها) دارند! اگر پدر و مادران (نه حتی یک دین یا یک نحله فکری) رفتاری را برای فرزندشان ناپسند می‌دانند، آیا باید با نسبت دادن اصطلاح «سلبی» به آن‌ها، این ادیان، نحله‌ها و پدران و مادران را تخفیف و محکوم نمود؟ واقعاً کدام عقل بشری می‌پذیرد که نهی از برخی روابط جنسی نظیر نزدیکی با هم‌جنس و نظایر آن (حیوان، شیء) و از سوی دیگر منع از ریاضت جنسی^۲ و حتی ترغیب و اختصاص برخی پاداش‌ها^۳ در انجام روابط جنسی حلال (بین زوجین) را یک رویکرد سلبی - و یا با ارفاق!

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

۱. جالب آن که حتی در مورد خداوند تبارک و تعالی نیز از صفات ایجابی و سلبی بحث می‌شود.

۲. به‌عنوان نمونه صاحب نظر شهیر اسلامی شهید مطهری (۱۳۸۹) «ریاضت جنسی» را به طور کاملاً صریح رد می‌کند و معتقد است این موضوع (غریزه یا میل جنسی) قابل ریاضت نیست (یعنی ریاضت و رهبانیت اسباب تعالی فرد نمی‌شود و به عکس نتایج منفی دارد) و این نیاز باید پاسخ‌گویی مناسب شود.

۳. قال رسول الله (صلی الله علیه و اله وسلم) اِنَّ اَهْلَكَ تُوَجَّرُ فَقَالَ يَا رَسُولَ اللّٰهِ صَ اَتِيهِمْ وَ اُوَجَّرُ فَقَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَ كَمَا اَنَّكَ إِذَا اَتَيْتَ الْحَرَامَ اَزْرَرْتَ وَ كَذَلِكَ إِذَا اَتَيْتَ الْحَلَالَ اُجِرْتَ (نقل در وسائل الشیعه). رسول گرامی اسلام به ابوذر غفاری فرمود: با

نزدیک به آن - معرفی کنیم؟ چنانکه نویسنده در متن زیر بدون ذکر نامی از دین و اسلام و ... مستقیماً نگاه دینی را در اردوگاه سلبی - بدبینانه قرار داده است:

«بر این اساس نگاه بدبینانه بر اصول و روش‌هایی در تربیت جنسی تأکید دارد که هدف آن‌ها ایجاد محدودیت در ارضای جنسی بوده (رویکرد سلبی) و در مقابل تربیت جنسی مبتنی بر نگاه خوش‌بینانه اصول و روش‌هایی را تأکید می‌کند که در جهت تسهیل ارضای جنسی باشند (رویکرد ایجابی). نگاه‌های میانه نیز بر این اساس که بیشتر محدودیت جنسی را توصیه می‌کنند و آن را در اولویت قرار می‌دهند یا تسهیل ارضای جنسی را مدنظر قرار داده و به راهکارهای مبتنی بر آن اهمیت می‌دهند باید تحلیل شوند؛ یعنی در این وضعیت‌ها با ترکیبی از اصول و روش‌های سلبی و ایجابی مواجه خواهیم بود. به طور نمونه، ممکن است در نظامی از تربیت جنسی ضمن این که خانواده‌گرایی نفی نمی‌شود اما داشتن روابط جنسی قبل از ازدواج و حتی بعد از ازدواج با توجه‌هایی مختلف پذیرفته شود. مسلماً چنین نظامی ارضای جنسی را در مرکز اهمیت قرار داده و سایر ارزش‌ها و اصول خود را پیرامون آن می‌بیند. در چنین نظامی همسر شرعی و قانونی فرد عضوی از مجموعه بزرگ‌تری است به نام شریک جنسی که لزوماً به مفهوم همسر شرعی و قانونی فرد نبوده و حتی لازم نیست غیرهمجنس باشد. در مقابل می‌توان نظامی دیگر از تربیت جنسی را تصور نمود که خانواده‌گرایی در مرکز توجه آن قرار داشته و هرگونه رابطه جنسی خارج از خانواده چه بعد و چه قبل از ازدواج رد می‌شود و تنها به همسر شرعی و قانونی و غیر هم‌جنس فرد محدود می‌شود. واضح است که مثال اول نزدیک به فلسفه‌های خوش‌بینانه به امر جنسی است و مثال دوم گرایش آشکاری به فلسفه‌های بدبین به امر جنسی دارد.» (صفحه ۴).

چگونه می‌توان اسلام را دارای گرایشی آشکار به فلسفه‌های بدبین به امر جنسی دانست درحالی که دین ما، پیوسته همراه با یادآوری آثار گناه و عذاب‌های غیرقابل تحمل اخروی برای گناهان جنسی، بهترین رهنمودها را به همسران، برای کسب لذت ارائه می‌نماید. به بیان دیگر آموزه‌های حدیثی با وجود آن که ارضای جنسی را محدود به ازدواج می‌کنند (نگاه به اصطلاح بدبینانه در مقاله)، به مسئله لذت و کامیابی جنسی در رابطه‌ی جنسی بین زوجین، نه بین دو هم‌جنس، نه دو فرد غیر مزدوج و نه یک انسان و حیوان، اصالت قائل می‌شوند و به نوعی پافشاری دارند.

امام صادق (علیه السلام) می‌فرمایند: مَا تَلَذَّذُ النَّاسُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ بِلَذَّةِ أَكْثَرِ لَهُمْ مِنْ لَذَّةِ النِّسَاءِ وَ

همسرت آمیزش کن تا خدا پاداشت دهد. ابوذر با شگفتی پرسید: با همسرم آمیزش کنم و پاداش برم؟! رسول خدا (فرمود): آری! همان‌گونه که اگر زنا کنی عذاب می‌شوی، چنانچه با همسرت آمیزش کنی پاداش می‌بری.

هُوَ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ - زَيْنَ النَّاسِ حُبُّ الشَّهَوَاتِ مِنَ النِّسَاءِ وَالْبَنِينَ إِلَى آخِرِ آيَةِ ثُمَّ قَالَ وَ إِنَّ أَهْلَ الْجَنَّةِ مَا يَتَلَذُّونَ بِشَيْءٍ مِنَ الْجَنَّةِ أَشْهَىٰ عِنْدَهُمْ مِنَ النِّكَاحِ لَا طَعَامٍ وَلَا شَرَابٍ (Vasaele Al-Shi'a, v. 20, p. 23, w).

(6): «مردم در دنیا و آخرت، لذتی بهتر از کامجویی با همسر، نجشیده‌اند ... حتی بهشتیان در بهشت از چیزی به اندازه نکاح، لذت نمی‌برند، نه از خوراکی‌ها و نه از آشامیدنی‌های آن».

سیدجواد مصطفوی در این باب می‌گوید: «دین مقدس اسلام، دین صریح‌اللهجه اسلام و دین بدون نفاق و دورویی اسلام، زن و شوهر را در خلوت‌خانه، رهبری و راهنمایی فرموده است؛ رهبری‌هایی بسیار دقیق و مفصل که شاید ریاکاران و کج‌اندیشان را خوشایند نباشد، اما به نظر ما اگر اسلام این رهبری‌ها را نمی‌نمود، دینی ناقص و نارسا بود، کوتاه‌بین و کم‌اندیش بود، عالم به جمیع مصالح انسان نبود، خیرخواه و مصلحت‌اندیش و بالاخره قابل نبود و مورد اعتماد قرار نمی‌گرفت.» (Mohammadi Moghaddam, 2017)

با نظر به مناسب نبودن فضای نشریه حاضر با تطویل و تدقیق این مبحث به ذکر این نکته اکتفا می‌شود که صاحب‌نظران اسلامی مطالب مربوط به روابط زناشویی را در یازده بخش مفصل تدوین نموده‌اند (Mohammadi Moghaddam, 2017).

جالب آن‌که علامه مرحوم شیخ حرّ عاملی، صاحب مجموعه شریف «وسائل الشیعه»، در کتاب «النکاح»، دو باب را فقط به بخش نخست این یازده بخش، اختصاص داده است: باب ۵۶، با عنوان «باب استحباب المکث» و باب ۵۷ با عنوان «باب استحباب الملاعبه».

نکته قابل‌توجه در تحلیل بیش‌ادیان در مورد امر جنسی، توجه به تأکید ادیان به رعایت چارچوب‌هاست. در واقع، ادیان، روابط جنسی را در قالب ازدواج‌های شرعی (بر اساس مشی و روش مذاهب مختلف) تأیید و ترغیب جدی می‌نمایند و از سایر روابط جنسی که باعث تقطیع و درهم‌آمیختگی نسل و سایر مسائل و مشکلات می‌شود، به شدت نهی می‌کنند.

بسیار جالب توجه است که اسلام به قراردادهای ازدواج (عقود دینی ادیان و مکاتب مختلف) احترام می‌گذارد. به بیان دیگر بر اساس فتوای مراجع تقلید فرزندان دو مسیحی که در کلیسا ازدواج کنند حلال‌زاده است و فرزندان دو مسیحی که بدون تشریفات لازم مسیحیت ازدواج نمایند، حرام زاده است! روایت زیر یکی از احادیثی است که در «وسائل الشیعه» ذکر شده است و فقیهان بر اساس آن چنین فتوا داده‌اند:

«اسحاق بن عمار می‌گوید حضرت امام صادق (علیه‌السلام) فرمود: تصرف اموال شخص ناصبی و هر آنچه ملک او باشد جایز است، اما ازدواج او صحیح است؛ زیرا ازدواج مشرکین اگر بر اساس مقررات خودشان باشد قابل احترام است (Horre Ameli, 1414) ..»

بررسی بدنه مقاله: ادعاها و استدلال‌های ناستوار

الف) نقد گفتمان مقاله:

مؤلف محترم در موارد متعددی نقدها را به گونه‌ای تقریر نموده است که گویی معتقد است متون آموزشی باید به گونه‌ای تدوین شوند تا دانش‌آموزان گرایش مثبت به روابط جنسی داشته باشند. با پذیرش نادرست بودن این قضاوت، راجع به مؤلف، اساساً باید پذیرفت مؤلف به دلالت‌های زبان نوشتاری خود - بر اساس پذیرش حجیت مفهوم مخالف - توجهی نداشته است. توضیح آن که گرچه، بحث درباره حجیت انواع مختلف مفهوم مخالف، مبحثی بلند دامنه است اما باید پذیرفت که از نظر افراد بسیاری، پیام عبارات‌های زیر در مقاله آن است که عمل صحیح تربیتی، درست عکس آن چیزی است که انجام می‌شود و این یعنی ترغیب به انجام انواع روابط جنسی توسط برنامه‌های درسی. نمونه‌های این نوع تقریر رهن، در زیر آمده است:

«مطرح شدن توبه در زمینه‌ای که سخن از امر جنسی رفته است نشان از پیوندی دارد که متن بین امر جنسی و «گناه» برقرار کرده و شاهد دیگری است از بازنمایی منفی امر جنسی در متن. این بازنمایی منفی وقتی بیشتر تقویت می‌شود که متن ناهنجاری‌های اخلاقی را با انحراف جنسی معادل می‌کند آن‌طور که گویی انحراف جنسی منجر به از بین رفتن تمام اخلاق می‌شود.» (صفحه‌ی ۱۷).

«در روش‌های پیشگیری از بیماری ایدز تأکید می‌شود که «مهم‌ترین راه آلودگی به این عفونت، ارتباط جنسی است، بنابراین خویشتن‌داری و پرهیز از روابط جنسی ضروری است که آشکارا رابطه جنسی را بدون هیچ وصف مشخصی نفی می‌کند.... همراهی بیماری‌کشنده ایدز با رابطه جنسی منجر به تقویت بازنمایی منفی از رابطه جنسی در ذهن مخاطب می‌شود. با توجه به بستر موقعیتی این متن که مخاطبان آن را دانش‌آموزان مدارس تشکیل می‌دهند، زبان طوری به کار رفته است که بازنمایی منفی میل جنسی به گونه‌ای انجام گیرد تا شرایطی فراهم شود که دانش‌آموزان به هیچ‌وجه به روابط جنسی گرایشی نداشته باشند.» (صفحه‌ی ۲۰).

ب) عدم توجه دقیق به بررسی بستر اجتماعی:

نویسنده برای مبحث بستر اجتماعی سند، به این امر اشاره نموده که سند در بازه سال‌های ۱۳۸۶ تا ۱۳۹۱ و در زمان دولتی با شعارهای دهه اول انقلاب تهیه شده است. در صورتی که انتخاب مسئولان سند تحول - که در ابتدا با عنوان سند ملی آموزش و پرورش شروع شد - شامل مدیر و مسئول اصلی، دکتر مهرمحمدی و سایر همکاران دکتر صادق‌زاده قمصری، دکتر حسینی، دکتر علم‌الهدی، مهندس نفیسی و سایر متصدیان اصلی و شروع به کار آن‌ها حداقل حدود یک سال قبل از ۱۳۸۴ بوده است و همچنین تا

به حال از سوی مسئولان سند گزارشی مبنی بر فشار دولت دکتر احمدی‌نژاد (۸۴ به بعد) بر متصدیان سند اعلام نشده است.

ج) ادعای فاقد هرگونه استدلال و استناد:

نویسنده در انتهای مقاله ادعای بس عجیبی را بدون ارائه هیچ‌گونه دلیلی مطرح کرده است: «این پژوهش نشان می‌دهد که چگونه پیچیدگی‌های کاربرد زبان در مقوله‌های جنسی می‌تواند معانی و مفاهیمی را بسازد و گرایشی را ایجاد نماید که شاید هیچ‌گاه به‌طور آگاهانه مورد اهتمام و توجه سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان تربیتی آموزش و پرورش نبوده است.» (صفحه‌ی ۲۲).

۱) عبارت فوق اشاره به این دارد که گویی سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان، باورهایی غیر از آنچه در اسناد متبلور شده است داشته و متوجه نبوده‌اند جهت‌گیری اسناد نوشته آنان، باورهای دیگری را تقویت می‌کند. نویسنده محترم در اثبات این ادعا می‌بایستی از آثار این افراد، شواهدی دال بر تضاد و تخالف افکار ایشان با مبانی و محتوای اسناد ارائه نماید، درحالی که درست به عکس نویسنده در انتهای همان صفحه، خلاف آن را تصریح می‌کند و نشان می‌دهد دیدگاه سند، موردنظر سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان بوده است نه در ناخودآگاه آنان!

۲) «این پژوهش نشان داد چگونه کاربرد زبان در اشکال خاص آن و در بازی‌های زبانی متأثر از بافت سیاسی - فرهنگی ویژه جمهوری اسلامی ایران منجر به ایجاد گفتمانی شد که باوجود گرایش به تعدیل میل جنسی در ساحت تربیت زیستی و بدنی مبتنی بر سند مبانی نظری تحول اما آنچه در مجموع از سایر متون شنیده شده و برداشت می‌شود تأکید بر راهبردهای سلبی مبتنی بر عفاف و حجاب و حیا می‌باشد که نشان می‌دهد سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان تربیتی بیشتر به جنبه‌های تهدیدآمیز میل جنسی توجه دارند تا جنبه‌های مثبت و ایجابی آن.» (صفحه‌ی ۲۲).

۳) نویسنده بارها تصریح کرده است که تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان اسناد درجه ۱ به لحاظ اعتبار (شامل اسناد مبانی نظری تحول بنیادین، سند تحول بنیادین، برنامه درسی ملی، اسناد دوره‌های تحصیلی و سند راهنمای برنامه درسی تعلیمات دینی) و درجه ۲ از حیث اعتبار (راهنمای تدریس آداب و مهارت‌های زندگی و آشنایی با خدمات مشاوره در آموزش و پرورش) به نوعی طرفدار ارزش‌های حاکم بر جمهوری اسلامی و اسناد بالادستی هستند. به‌طور نمونه، در مورد اسناد درجه ۲ می‌نویسد:

۴) «از نظر تفسیر بافت موقعیتی توجه به این نکته که این اسناد مصوبه شورای عالی آموزش و پرورش جمهوری اسلامی هستند، نشان می‌دهد که هدف از تدوین این اسناد جدای از هدف‌های حاکم بر

آموزش و پرورش جمهوری اسلامی نبوده و متصدیان تولید این اسناد، در چهارچوب ارزش‌ها و آرمان‌های جمهوری اسلامی حرکت می‌کنند. ضمن این که مخاطبین این اسناد یعنی برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران آموزش و پرورش و مؤلفین کتب درسی نیز، تماماً زیر مجموعه آموزش و پرورش بوده و متأثر از ارزش‌ها و ایدئولوژی حاکم بر آن می‌باشند. بنابراین زبان نیز مطابق نظم گفتمانی متأثر از آن ارزش‌ها و آرمان‌ها به کار رفته است.» (صفحه ۱۵)

۵) به نظر نمی‌رسد بتوان با پذیرش عبارت فوق، ناآگاهی از مبانی و محتوای اسناد و نوعی عمل ناخودآگاهانه و تحت تأثیر پیچیدگی‌های زبان در تربیت جنسی را به آنان نسبت داد.

۶) نویسنده در صفحه بعد می‌نویسد: «در مرحله تبیین علاوه بر آنچه پیش‌تر پیرامون تأثیرپذیری متن از ایدئولوژی حاکم بر جمهوری اسلامی در موضوع‌های حیا، عفاف و حجاب گفته شد، پرداختن به احکام فقهی مربوط به موضوع‌های جنسی تحت عنوان «احکام خاص دوران بلوغ» نشان‌گر این است که سند متأثر از دیدگاه فقه‌ای حاکم بر نظام سیاسی جمهوری اسلامی است. در خدمت ازدواج دیدن میل جنسی و خانواده‌گرایی آن نیز نشان دیگری از تأثیرپذیری سند از خانواده‌گرایی جمهوری اسلامی که در مقدمه و اصل دهم قانون اساسی خود را نشان داده است.»

حال با این وصف (تبعیت اسناد پایین دستی از اسناد بالادستی) باید پرسید در مورد این اسناد در چه زمانی، چه بازی‌های زبانی صورت پذیرفته است؟ کدام معانی و مفاهیم ساخته شده که هیچ‌گاه به‌طور آگاهانه مورد اهتمام و توجه سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزی تربیتی نبوده است؟ و بار دیگر این سؤال را تکرار می‌کنیم که با کدام استناد برنامه‌ریزان در پی ارزش‌های دیگری بوده‌اند؟

د) اعتراف دیرهنگام:

مؤلف محترم در سطرهای انتهایی مقاله با نوعی چرخش آشکار به نوعی از عفاف‌گرایی و وجود خط قرمزها در تربیت جنسی حمایت می‌کند. بی‌هیچ توضیحی، واضح است که فضای این تذکر با فضای بقیه مقاله، متفاوت و بلکه متضاد است: «عفاف، حیا و حجاب از ارزش‌های اصیل اسلامی هستند که تربیت جنسی صحیح بدون در نظر گرفتن آن‌ها امکان‌پذیر نیست؛ چون هیچ نظام تربیتی نمی‌تواند خالی از نبایدها و سلب‌ها باشد. اما به نظر می‌رسد توجه صرف به این ارزش‌ها در تربیت جنسی ضمن اینکه لازم است اما کافی نیست.»

همسو با دیدگاه مؤلف محترم باید اضافه کرد در متون درسی آموزش و پرورش از زیبایی‌ها و ابعاد جذاب هیجانی این مفاهیم سترگ و نیز راهبردهای بسیار پویای آن‌ها تا حد زیادی غفلت شده است و در عمل بیشتر جنبه‌های نهی و نفی و سلب این مفاهیم در ذهن دانش‌آموزان ماندگار می‌شود (برای آگاهی

بیشتر در مورد راهبردهای فعال در خویش‌داری نگاه کنید به (Ram, 2017 & Saeedi Rezvani, 2017). این اعتراف از آن رو دیرهنگام است که در جای خود یعنی در بحث‌های نظری این مقاله نیامده و تنها نقش یک تذکر - ناهمخوان با بافت مقاله - را یافته و تأثیری بر ساخت مباحث نداشته است. گر چه نشان از نوعی روحیه مثبت «انتقاد از خود» در مؤلف گران‌قدر دارد.

۵) عدم توجه به امکان‌سنجی استفاده از رویکردهای ایجابی دینی:

در سراسر مقاله موردنظر، چنین نمایان می‌شود که سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان تربیتی آموزش و پرورش به‌ویژه در سطوح بالادستی، نگاهی به میل جنسی داشته که با نگاه‌های حاکم بر اصل نظام جمهوری اسلامی منطبق است. نویسنده به‌خوبی نشان داده است که از نظر دین و سند آموزش و پرورش، میل جنسی باید کنترل (مهار) شود.

این نگاه، ارضای غریزه جنسی را فقط در چارچوب ازدواج مجاز می‌شمارد. بنابراین، برای دانش‌آموزان - که در شرایط کنونی ازدواج نمی‌کنند - یادگیری راهبردهای خویش‌داری جنسی را توصیه می‌کنند^۱ و نویسنده به‌خوبی نشان داده است که در سندهای مختلف، این نگاه با تأکید بیشتر و کمتر غلبه و سیطره دارد، البته فقط در سندهای تهیه‌شده توسط وزارت بهداشت که هماهنگ با سازمان بهداشت جهانی و دیگر اسناد جهانی است، تا حدی کمرنگ شده است و جلوگیری از بارداری‌های ناخواسته و روابط جنسی ایمن و بهداشتی نیز توصیه می‌شود.

حال، بسیار جای تعجب است در مقاله‌ای که بر راهبردهای ایجابی تأکید می‌شود، به موضوع‌های مهم ازدواج موقت و سن ازدواج پرداخته نشده است. این درحالی است که موضوع ازدواج موقت و نیز ازدواج دائم در سنین پایین - قبل از ۱۸ سال و فراغت از تحصیل - موضوع‌هایی هستند که اگر بدون لحاظ شرایط اجتماعی ملاحظه شوند، چه بسا نوعی تفاوت را در گفتمان دین با گفتمان اسناد آموزش و پرورش نشان دهند. چنانکه اشاره شد در اسناد آموزش و پرورش فرض بر این است که تصور کنیم دانش‌آموزان می‌باید یا نمی‌توانند قبل از ۱۸ سال، ازدواج - چه دائم چه موقت - نمایند^۲ و لذا عمده‌ی تأکید بر عفت ورزی و به قول مؤلف محترم گفتمان مهار است.

۱. مؤلف محترم نیز در برخی تحلیل‌ها به شرایط دانش‌آموزان و بنابراین نوعی ناچاری آموزش و پرورش از پافشاری بر خویش‌داری جنسی به‌جای ترغیب به امور جنسی صحه گذارده است.

۲. در این موارد معمولاً به مناسب نبودن شرایط اجتماعی استدلال می‌شود و بخش عمده این مسئله حاصل نگاه روشنفکر‌نمایی طرفداران اسناد جهانی در سطح برخی اساتید دانشگاهی و حتی مسئولان دولتی و نمایندگان مجلس شورای اسلامی است که در طی دهه‌های گذشته بیشینه تلاش خود را علیه ازدواج موقت و قانونگذاری علیه ازدواج دختران زیر ۱۸ سال به کار بسته‌اند.

ره‌آوردها و راهبردها

اگر نقد جدا کرده از ناسره و تصویر روشن نکات مثبت و نقاط منفی تعریف شود، عدم تبیین نکات مثبت مقاله، نقد حاضر را برچسب نقصان و کوتاهی خواهد زد. خوشبختانه دو نکته مثبت در مقاله، ره‌آوردهایی را تقدیم می‌کند که می‌تواند راهبردهای اساسی را پیش پای آموزش و پرورش ما قرار دهد.

ره‌آورد نخست:

تعامل مجموعه آموزش و پرورش جمهوری اسلامی با تربیت جنسی، دارای نوعی حیا بی‌جهت، پوشیدگی امر جنسی و تأکید کلی - بدون برنامه - بر حفظ حیا و عفت، بدون بررسی امکان ارضای گزینه جنسی در چارچوب صحیح شرعی و عقلی است. این نوع تعامل، تعاملی ناقص و نافی طبیعت انسانی و بدون لحاظ شرایط و حاشتناک تحریکات جنسی در گستره تمامی اجتماع امروز ماست.

واقعیت این است که آموزش و پرورش، برنامه خاصی برای پرورش تربیت جنسی صحیح به‌منظور پرورش عفاف در دانش‌آموز ندارد و همان‌طور که در همین نقد به اجمال آمد، از پرداخت دقیق به راهبردها و راه‌کارهای پرورش عفاف و ورزی غفلت نموده است. از سوی دیگر از شرایط اجتماعی غرب‌گرایانه ضد ازدواج موقت و عقده‌های شرعی زیر ۱۸ سال - که نافرمانی از خدای متعال را به‌راحتی پذیراست، ولی ازدواج دختران ۱۶ تا ۱۷ سال را گناه نابخشودنی می‌شمرد - نیز رُعب و وحشت دارد. باید گفت به‌جای لحاظ رویکرد بازسازی اجتماعی، مقهوریت اجتماعی را در پی گرفته است. با لحاظ دو امر فوق، پرداخت اندک و ناقص به مبحث خویشتن‌داری جنسی و نوعی همسویی با نگاه‌های غرب‌گرایانه در راستای پذیرش پیش‌فرض مقابله با ازدواج در سنین زیر ۱۸ سال، نتایج دهشتناک پژوهش‌های مربوط به رفتار جنسی (Hamidi and Faraji 2007., Azad Armaki and Sharifi Saei, 2011., Azad Armaki et al., 2011., Moradi, 2012., Khalaj Abadi and Mehryar, 2010) به‌خوبی تبیین می‌شوند!

راهبرد پیشنهادی به نظام جمهوری اسلامی، مواجهه شجاعانه (پذیرش وجود مسائل جنسی) و طراحی روش‌های نوین و رویکردهای یاددهی - یادگیری خویشتن‌داری بر اساس آموزه‌های دینی و یافته‌های روانشناسی همسو با مبانی دینی و نیز بررسی کارشناسانه چگونگی به‌کارگیری و طراحی مدبرانه راهبردهای فعال (ازدواج دائم و موقت) در امر مقابله با آسیب‌های جنسی است.

ره‌آورد دوم:

مقاله مورد نقد به‌خوبی نشان داد که آموزش و پرورش ما بخشی از مواجهه‌های - احتمالاً - لازم در مورد مسائل جنسی را در عمل بر عهده وزارت بهداشت (به نمایندگی سازمان بهداشت جهانی) گذارده

۱. با لحاظ شرایط اجتماعی، قوانین و موانع پیش رو

است. اما نوع محتوای ارائه شده از سوی کارشناسان وزارت مذکور هماهنگ با اسناد بالادستی آموزش و پرورش نیست بلکه در مواردی نوعی تضاد را نشان می‌دهد. «متونی که دال آن‌ها مهار غریزه جنسی است، متأثر از ایدئولوژی و ارزش‌های جمهوری اسلامی بوده و به گفتمان‌های محافظه‌کار در تربیت جنسی نزدیک هستند و در مقابل متونی که دال آن‌ها بهداشت و سلامت جنسی است، بیشتر متأثر از ارزش‌ها و استانداردهای سازمان بهداشت جهانی بوده و به گفتمان‌های لیبرال در تربیت جنسی گرایش دارند.» (صفحه ۲۱). این امر، قطعاً پدید آورنده مشکلات جدیدی در عرصه آموزش و پرورش رسمی خواهد بود و احتمالاً عوارض منفی آن، بیش از نتایج مثبت آن خواهد بود.

به طور کلی، تصویر سلامت جنسی در متون مربوط به سازمان بهداشت جهانی، تصویری ناقص و رهن‌نویس است. این متون ابعاد سلامت جنسی را در سالم و ایمن بودن (بهداشت رعایت شود، اجباری نباشد، بارداری ناخواسته نباشد) خلاصه می‌کنند و طبیعی است که با توجه به اتخاذ نگاه سکولار، امر مشروع بودن یا نبودن رابطه جنسی را نادیده می‌گیرند. در واقع با این نوع آموزش، با نوعی برنامه درسی پنهان مواجه هستیم که حاوی این پیام پنهان است که در رابطه صحیح جنسی، امر مشروع بودن، حاوی ارزش خاصی نیست! (اگرچه احتمالاً، تصریحی نسبت به عدم اهمیت مشروع بودن ندارد)؛ اما از دیدگاه اسلامی «سلامت جنسی» مفهومی عام مشتمل بر نبود مشکل، اختلال و انحراف جنسی و همچنین وضعیت مطلوب و رضایت‌بخش جنسی همراه با مهارت در رفتار جنسی سالم موفق و سازنده است. لازم به ذکر است که در این دیدگاه با توجه به سوره مؤمنون آیه ۵، هرگونه لذت‌جویی و ارضای تمایلات جنسی که برخلاف اصول و ارزش‌های اسلامی باشد، انحراف جنسی است؛ بنابراین در دیدگاه اسلامی علاوه بر تأکید بر بهداشت و کامیابی جنسی بر مشروعیت نیز تأکید ویژه می‌شود (Noor Alizademiangi, 2017).

متأسفانه در گزارش پیش‌نویس طرح بررسی وضعیت و طراحی مداخلات حفظ و ارتقای سلامت جنسی ایرانیان توسط وزارت کشور نیز با الهام از تعاریف انجمن جهانی سلامت جنسی، سازمان بهداشت جهانی و سایر مجامع غربی، با وجود پرداخت بسیار مفصل به مفهوم سلامت جنسی، ردّ پای از مقوله مشروعیت (رضایت پروردگار) در نقشه مفهومی سلامت جنسی پیدانمی‌شود و بیشتر به مسئله بهداشت و کامیابی تأکید می‌شود. باید اضافه نمود که استفاده - بدون توجه به آثار منفی - از متون آموزشی سازمان بهداشت جهانی، ریشه در عدم توجه برنامه‌ریزان آموزش و پرورش به مسائل جنسی نوجوانان دارد. گویا فرهنگ خاموشی و کتمان وقایع برخی مسئولان آموزش و پرورش به گونه‌ای است که ترجیح می‌دهند، متون آموزشی در درون آموزش و پرورش - با نگاه به اسناد بالادستی - تدوین نشود تا گردی بر تقوای عمیق این دوستان ننشیند!

نتیجه

پدیریم که در تربیت جنسی چهار گفتمان وجود دارد و گفتمان تربیت جنسی آموزش و پرورش در ایران منطبق بر گفتمان محافظه کار (نگاه بدبینانه) است؛ یعنی در اسناد آموزش و پرورش ما این نقص وجود دارد که «امر جنسی به غریزه‌ای حیوانی فرو کاسته شده و تهدیدی علیه زندگی اخلاقی و فضیلت‌مندانه است.» (مربوط به بخش نتیجه مقاله)، متصدیان تعلیم و تربیت که نمی‌خواهند امر جنسی را به غریزه‌ای حیوانی فرو کاهند، به ناچار باید رویکرد رقیب را بپذیرند. رویکردهایی که زندگی انسانی، اخلاقی و با فضیلت را در هم جنس‌خواهی و سایر روابط حیوانی جستجو می‌کنند! بنابراین مقاله با پذیرش بنیانی نادرست و وام‌گیری از نگاه‌های ضد دینی و غفلت از نگاه اسلامی بخش عمده‌ای از حقیقت را نادیده گرفته است و در «پاره حقیقت‌گویی آشکاری» در غلتیده است و این امر عمده‌ترین ضعف مقاله به شمار می‌آید. از سوی دیگر، یافته‌ها نشان داد برخی کم‌دقتی‌ها مانند عدم توجه به زمان دقیق انجام مقدمات سند تحول، منجر به این قضاوت نادرست شده است که «بستر اجتماعی سند مقارن با دوره دولت دکتر احمدی‌نژاد بین سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۲ بوده است.»

در بخش پایانی مقاله، ادعایی بدون ارائه هیچ‌گونه شهادی صورت پذیرفته است. بر اساس این ادعا نگاه برنامه‌ریزان وزارت آموزش و پرورش به امر جنسی به‌طور کلی با آنچه در اسناد جلوه‌گر شده متفاوت است و پیچیدگی زبان و بازی‌های آن باعث این امر شده است. از نکات مثبت مقاله، تبیین نگاه دوگانه‌ای است که در اسناد آموزش و پرورش وجود دارد؛ به گونه‌ای که برخی اسناد، ریشه در ارتباط با وزارت بهداشت دارند و رویکردی متضاد با اسناد دیگر اتخاذ کرده‌اند. ره‌آورد بسیار ارزشمند و مهم مقاله‌ی مذکور ایجاد گفتمان ضرورت توجه فوری به نیاز و مسائل جنسی دانش‌آموزان در محیط به شدت نابسامان و تحریک‌های کنونی، پرهیز از سیاست کتمان و حیای حُقم و در نتیجه ضرورت ورود سنجیده آموزش و پرورش و عدم انفعال در برابر فشارهای بین‌المللی و اتکا به آموزه‌های اسلامی و آموزه‌های روان‌شناسی همراه برای طراحی برنامه‌ها و تدوین فعالیت‌های یاددهی و یادگیری متناسب در جهت تربیت جنسی صحیح است.

References

- Azad Armaki, T., & Sharifi Sae, M. (2011). Sociological Explanation of Anomic Sexual Relationships in Iran. *Quarterly Family research*, 7, 435 – 462. (In Persian)
- Azad Armaki, T., & Sharifi Sae, M., & Isari, M., & Talebi, S. (2011). Characteristics of Premarital Sexual Patterns in Iran. *Cultural Community Studies*, 2, 341 – 350. (In Persian)
- Damari, B. (2015). *Status Report and Design Interventions to Maintain and Promote Iranian Sexual Health. Social-cultural deputy of the Ministry of the Interior*. Tehran:

- Publication of Medicine and Society. (In Persian)
- Dehkhoda, A. (1993). *Dehkhoda dictionary*. Tehran University Press and Publishing. (In Persian)
- Hamidi, N., Faraji, M. (2007). Lifestyle and Women's Coverage in Tehran. *Cultural research Quarterly*, 1, 65 - 99.
- Khalaj Abadi, F., & Mehryar, A. (2010). Studying the role of family in communication with the opposite sex before marriage in female students in Tehran. *Family research Quarterly*, 6 (24), 449 – 468. (In Persian)
- Moein, M. (1971). *Moein dictionary*. Amir Kabir Publishing House. (In Persian)
- Mohammadi Moghaddam, F. (2017). *The love of the wives*. Amin Cultural Center, General Directorate of Islamic Propaganda of Khorasan Razavi. (In Persian)
- Moradi, G. (2012). Female students use of cosmetics and its sociological factors affecting it. *Woman in development and summer politics*, 87 – 106. (In Persian)
- Motahhari, M. (2010). *Sexuality in Islam and the Western world*. Sadra Publications.
- Noor Alizademiyangi, M. (2017). *Spouses' health and sexual dysfunction: Islamic and psychological approaches*. Dar al-Hadith Qom, Publications in Hand Publishing. (In Persian)
- Ram, S., & Mehrmohammadi, M., & Sadeghzadeghamsari, A., & Talaee, E. (2017). An explanation of the concept of piety from an anthropological perspective with a reflection on Quranic verses and its implications for the cultivation of piety. *Research Principles of Education*, 7 (1), 103 – 125. (In Persian)
- Saeedy Rezvani, M. (2017). *Proposed Elementary Education Curriculum Offer*. Institute of Islamic Studies in the Humanities University of Ferdowsi University of Mashhad, (In press Report).
- Sheikh Horre Ameli, M. *The Hadith Collection, Vasaele Al-Shi'a*. (1414 Lunar), Qom: Al-Alibat. (In Persian)